«جامعه اسلامی عربی و گفت وگوی تمدنها»

بشیر ابو فیصل - ترجمه: عباس زاده

نظریه گفت و گوی تمدنها که از سوی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده و از سوی جامعه جهانی و سازمانهای بین المللی مورد استقبال وسیع قرار گرفته، در جهان اسلام و کشورهای عربی نیز بازتاب قابل توجهی داشته است. تونس از جمله کشورهایی است که از این نظریه حمایت و استقبال چشمگیری نموده است. مقامات تونسی و در راس آنان رئیس جمهور این کشور و همچنین محافل علمی و دانشگاهی و رسانه ها به طور مستمر این بحث را مطرح و دنبال کرده اند.

آقای عبدالوهاب بوحدیبه، رئیس انجمن بیت الحکمه تونس که از چهره های بارز علمی و دانشگاهی است، در اردیبهشت ماه سال جاری به عنوان نماینده رئیس جمهور تونس در اجلاس بین الاسلامی گفت و گوی تمدنها در تهران شرکت کرد. این انجمن و دیگر سازمانهای علمی سیاسی تاکنون سمینارهایی با موضوعات مرتبط با نظریه فوق در تونس برگزار کرده اند.

خانم منی ذوالفقار، استاد دانشگاه و حقوقدان تونسی، یکی دیگر از صاحبنظرانی است که اخیرا در یک سمینار به طرح بحث تحت عنوان فوق الذکر پرداخته و نقطه نظرات وی در روزنامه الصباح مورخ 1 اکتبر طی مقاله ای به قلم بشیر ابوفیصل به چاپ رسیده است. این مقاله جوامع عربی وا سلامی را به دو جریان تقسیم می کند:

1- جریان مخالف جهانگرایی با تمام ابعاد آن که نسبت به تبعات منفی و مخاطر جهانگرایی برای کشورهای جنوب و در راس آنها کشورهای اسلامی عربی هشدار می دهد.

2- جریانی که به برخورد مثبت و خلاق با جهانگرایی به عنوان فرصتها و مخاطر دعوت می کند. در حقیقت، هر دو جریان اختلاف نظر موجود در جهان عربی و اسلامی را منعکس می کنند. از طرفی می توان مذمت جهانگرایی را در سخنان و اظهارات دنبال کرد. خواه از اردوگاه راست که نماینده جریانهای گوناگون اسلامی است یا از اردوگاه چپ جریانهای سوسیالیستی. اردوگاه راست با رد مطلق جهانگرایی، بیهوده ادعا می کند جهانگیر بودن اسلام می تواند جانشین جهانگرایی شود. این پندار یا ناشی از عدم درک پدیده جهانگرایی است; به این اعتبار که این پدیده یک روند تاریخی است که جریانات معرفت شناسانه، اقتصادی، علمی و تکنولوژی را که در درون اقتصاد سرمایه داری جهانی حاصل شده، منعکس می کند یا اینکه ناشی از تمایل شدید جهت مبارزه با آن با دستانی از شمشیرهای چوبی است. این در حالی است که اردوگاه چپ با مرثیه سرایی در مورد تباهی سرنوشت انسان در سایه جهانگرایی، هیچ گونه راه حل عملی و یا اقدامات مؤثری که جایگزین سیاستهای جهانگرایی شود، ارائه نمی دهد; به طوری که برخی را به این تصور از فرهنگ کنونی ما رسانیده که فرهنگ جلوگیری و ورشکستگی است. آنچه جالب توجه است اینکه دیدگاه برخی رهبران سیاسی کشورهای جنوب، پیشرفته تر و مؤثرتر از دیدگاه بسیاری از روشنفکران جنوب است که فقط جهانگرایی را محکوم می کنند، بدون اینکه راههای تعامل با آن را روشن کنند. به علاوه، رهبران کشورهای جنوب گفت و گوی تمدنها را با کشورهای شمال پیرامون شناخت بیماریهای جهانگرایی و ارائه راه حلهای جایگزین سیاستهای زیانبار جهانگرایی نسبت به ملتهای جهان سوم، آغاز کرده اند.

برخورد مثبت و خلاق

با پذیرش این امر که جهانگرایی در بردارنده مخاطری برای کشورهای جنوب است، این سؤال مطرح می شود که هت برخورد مثبت با آن چه کاری می توان انجام داد؟

استاد خانم منی ذوالفقار، اولین گام را در این می بیند که جامعه مدنی، گفت و گوی تمدنها را در وسیعترین حد در چارچوب مؤسسات فکری، علمی و دینی از طریق طرح دیدگاههای کارشناسی شده عربی و اسلامی پیرامون حقوق بشر و چگونگی تحقق عدالت بین ملتهای مختلف جهان در چارچوب جهانگرایی اجرا کند تا از نتایج آن، فقط کشورهای پیشرفته بهره مند نشوند. اهمیت این پیشنهاد در این است که تحقق آن اوهامی را که با عقل برخی روشنفکران عرب در ستیز است، از میان می برد; اوهامی که می پندارد گفت و گوی تمدنها از ابتدا مستلزم برابری و همانندی بین گفت و گو کنندگان است. این صحیح نیست; چون این برابری چنانچه بر معیارهای قدرت فراگیر کشور تکیه کنیم، به دلیل تفاوت شدید قدرت کشورها، قابل تحقق در عالم واقع نیست، ولی این مساله در طول تاریخ مانع گفت و گوی گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، خواه از طریق سازمان ملل یا یونسکو و غیره و خواه توسط انجمنهای فکری، علمی و فرهنگی همراه با آزادی کامل در اظهار نظر، نشده است.

بنابراین گفت و گوی تمدنها ممکن و ضروری است، مشروط به اینکه حرفی برای گفتن داشته باشیم. به عبارت دیگر، صحیح نیست که به نفی آنچه هست قانع شویم، بلکه باید فکر سیاسی و مبتکر خود را جهت ارائه سیاستهای مؤثر، جانشین وضعیت موجود از طریق جمع نمودن نیروی اطراف ضعیف و تبدیل آن به وزنه ای در گفت و گو بکار اندازیم و این گفت و گو بناچار باید توسط یک مجموعه عربی اسلامی که حداقلی از تفاهم پیرامون شناخت پدیده جهانگرایی و تحصیل دیدگاههای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشخص جهت طرح آن در گفت و گوی جهانی را دارد، باشد. از نظر استاد منی ذوالفقار، راه ورود به این صحنه، ضرورت هماهنگ نمودن تلاشهای مدنی جهان عرب و اسلام است که البته هدف از آن، مشارکت فعال در ارتقای ارزشهای فرهنگی در جوامع عربی و اسلامی معاصر از مرحله دفاع از ارزشهای مثبت و خنثی نمودن تاثیرات ارزشهای منفی است که در راس این ارزشها، گشایش نسبت به جهان و برخورد مثبت با آن است. با توجه به اینکه گشایش در برابر جهان ضرورتی است که در غیاب آن، جامعه عربی اسلامی از حرکت پیشرفت جهانی باز می ماند و در این رابطه نباید سر و صداهای شدید برخی روشنفکران که نسبت به مخاطر هجوم فرهنگی و مضرات وابستگی فکری هشدار می دهند، ما را بترساند. اینها شعارهایی ایدئولوژیک است که جز ناتوانی برخی گروههای فرهنگی عربی، اعم از راست و یا چپ، از درک زبان روز و عملکرد اراده جهانی چیز دیگری را بیان نمی کنند.

فرهنگ عربی معاصر در حصار قید و بندهای مختلفی است. این قیود بیشتر به جمود نخبه های سیاسی و فرهنگی جهان عرب واسلام و ناتوانی آنان از تحول برمی گردد تا به علل جهانی ناشی از فشارهای نظام بین المللی. اگر در زمان حاضر نتوان عوامل داخلی و خارجی را کاملا تفکیک کرد، ولی عادت معروف ما مبنی بر عدم قبول مسؤولیت و انداختن نتیجه عقب ماندگی خود برگردن استعمار در گذشته و جهانگرایی در حال حاضر، مبین سمت گیری منفی و عمیق ما جهت فرار از واقعیت و عدم اعتراف به مسؤولیتهای خود (اعم از حاکمان یا زیردستان) نسبت به پدیده عقب ماندگی عربی اسلامی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

بنابراین، پیشنهاد استاد مبنی بر توجه مؤسسات جهان عرب و اسلام به فرهنگ دموکراسی و پلورالیسم، به اقدام نخبه های سیاسی حاکم محدود نمی شود، بلکه ما به عنوان شهروند عرب و مسلمان و به عنوان روشنفکر و اندیشمند و فعال در مؤسسات گوناگون جامعه مدنی، نظیر احزاب سیاسی و سندیکاهای صنفی و جمعیتهای مختلف نیز باید آن را از وظایف ملی خود بدانیم. اگر تا به حال از عملکرد برخی از حاکمان مستبد عرب انتقاد کرده ایم، اینک باید با تمام شجاعت از خود انتقاد کنیم تا اعتراف کنیم که در مؤسسات جامعه مدنی، رهبران برخی ساختارهای مختلف را ملاحظه می کنیم که به مراکز اصلی قدرت چسبیده اند و رهبران جوان را از تصدی آنها در چارچوب منظم و دموکراتیک جانشینی قدرت بین نسلها محروم می کنند. به این ترتیب، تقویت فرهنگ دموکراسی ذی حق بودن در مؤسسات مختلف جامعه، اعم از خانه، مدرسه، دانشگاه و مراکز کار، اهمیت بالایی در تحول فرهنگ معاصر جهان عرب و اسلام دارد; زیرا این فرهنگ پایه گذار حق مشروع در پلورالیسم سیاسی یا فرهنگی، علاوه بر آنکه به حق اختلاف نظر و احترام به نظر دیگران تاکید دارد، مشوق تسامح و محکوم کننده تجاوز به حقوق بشر و دعوت کننده به مبارزه علیه این تجاوز است; خواه این تجاوز از سوی حاکمان فرهنگی یا فکری صورت گیرد خواه از سوی حاکمان دینی. خلاصه این جهت گیری عقلانی نسبت به برخورد مثبت و خلاق با جهانگرایی این است که مبارزه باید برای تحقق سه هدف اساسی باشد:

1- جمع آوری نیروهای جامعه مدنی در جهان عرب و اسلام و مدیریت گفت و گوی دموکراتیک بین مؤسسات آن به منظور متبلور کردن دیدگاه عربی اسلامی مؤثر جهت مشارکت مثبت در گفت و گوی تمدنها.

2- مبارزه جهت تقویت فرهنگ دموکراسی در نقاط مختلف جهان اسلام به این اعتبار که این امر مقدمه لازم جهت ارتقا به سطح ارزشهای جهانی معاصر است که در سلسله مراتب ارزشها، ارزشهای پلورالیسم و احترام به حقوق بشر را در جایگاه رفیعی می نشاند.

3- افزایش تاثیر مؤسسات جامعه مدنی در جهان عربی - اسلامی و گسترش کارایی آن به گونه ای که توام با دموکراسی و شفافیت بیشتر و کارایی در برابر عملکرد منفی برخی کشورهای عربی معاصر باشد; کشورهایی که خواه با تشبث به حق حاکمیت و یا کوتاهی مفرط در انجام وظایف خود، می توانند موجودیتی خطرناک برای حقوق انسان مسلمانی باشند که دورانهای طولانی، برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و با تقدیم قربانیهای فراوان انسانی و مالی، مبارزه کرده است.

منبع: سفارت ج.ا.ا - تونس